



تَعَلَّمُوا الْعَرَبِيَّةَ فَإِنَّهَا كَلَامُ اللَّهِ الَّذِي يَكَلِّمُ بِهِ خَلْقَهُ

حضرت امام صادق (عليه السلام)

ویشنامه آموزش زبان عربی

دوره جدید، شماره ۳، بهار ۱۳۹۲

به کوشش دکتر عادل اشکبوس

• زبان

• پیوند آوایی معنایی واژگان روح، ریح، ریحان

• قصص قصیره

صامت‌ها و مصوّت‌ها در زبان عربی

صامت‌ها

أ، ب، ث، ج، ح، د، ذ، ر، ز، س، ش، ص، ض، ط، ظ، ع، غ، ف، ق، ک، ل، م، ن، و، ه

مصوّت‌ها

مصوّت‌های بلند ← ا، و، ی مصوّت‌های کوتاه ←

بعضی از صامت‌ها و مصوّت‌های زبان، مختصّ یک گروه و قوم است.

تلفّظ بعضی حروف برای برخی ملّت‌ها دشوار است؛ زیرا در زبان آن‌ها چنین تلفظ‌هایی نیست.

برای مثال، ژاپنی‌ها حرف «ل» ندارند و آلمانی‌ها و فرانسوی‌ها حرف «ر» را «غ» تلفّظ می‌کنند. انگلیسی‌ها حرف «ر» را در وسط کلمه و پایان آن حذف یا خیلی ضعیف ادا می‌کنند. در عوض، اسپانیایی‌ها حرف «ر» با تفخیم و درشت ادا می‌نمایند. ترک‌های آذربایجان حرف «ق» را «گ» تلفّظ می‌کنند. در ترکی استانبولی حرف «خ» به «ک» تبدیل می‌گردد. در گردی مجموع دو حرف «نک» در کلماتی مانند «مانک: ماه»، «دنک: صدا» شبیه تلفّظ long در انگلیسی به صورت «تودماغی» ادا می‌شود.

حرف «ک» قبلاً در زبان‌های سامی و آریایی رایج بوده است ولی امروزه در زبان عربی فصیح وجود ندارد (فروخ، تاریخ‌الادب العربی، ج ۱: ۲۳).

در زبان عربی فصیح حروف پ، چ، ژ، گ و «V» وجود ندارد.

حرف ژ در آلمانی صدای «ی»، در فرانسه معاصر صدای «ج» و در اسپانیایی صدای «خ» دارد.

ch در فرانسه صدای «ش»، در انگلیسی اغلب «چ»، در آلمانی «ش» یا «خ» و در بعضی زبان‌ها صدای «ک» می‌دهد.

عموم زبان‌های جهان را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

۱- زبان‌های از بین‌رفته: زبان‌هایی که دیگر کسی به آن‌ها تکلم نمی‌کند و به فراموشی سپرده شده‌اند، مانند فینیقی و برخی زبان‌های آفریقایی که جایشان را به انگلیسی و فرانسه داده‌اند و سومری و عیلامی.

۲- زبان‌های ترک‌شده و مهجور: زبان‌هایی که گویندگان‌شان آن‌ها را ترک کرده‌اند و به زبان‌های دیگر تلکم می‌کنند اما در کتاب‌ها و معابد محفوظ مانده‌اند؛ مانند لاتین، پهلوی آذری (در آذربایجان)، سانسکریت (زبان قدیم هند).

۳- زبان‌های زنده: زبان‌هایی هستند که امروزه اقوامی به آن‌ها تلکم می‌کنند؛ و مثل عربی، فارسی و انگلیسی. همه این زبان‌ها دارای گویش‌های فرعی و عامیانه نیز هستند.

نظریات مختلف درباره پیدایش زبان

در مورد پیدایش زبان دو نظریه عمده وجود دارد:



عادل اشکبوس

کارشناس مسئول گروه عربی دفتر
برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی

چکیده

زبان یکی از مهم‌ترین و زیباترین جلوه‌های خلقت بشر است. زبان‌های مختلف دارای ویژگی‌های خاصی هستند که هر یک را از دیگری متمایز می‌سازد. در عین حال برخی را در یک خانواده قرار می‌دهد درباره پیدایش زبان نظریات متفاوتی ابراز شده است. برخی زبان را توقیفی می‌دانند و برخی آن را نیاز بشر می‌دانند و بر این باورند که زبان به تدریج طی اعصار و قرون شکل گرفته است.

◀ **کلیدواژه‌ها:** زبان، ارتباط، لغت، اشاره، مصوّت، صامت.

زبان وسیله برای بیان عواطف، مقاصد و افکار آدمی است. بشر از آغاز خلقت، نیاز به سخن گفتن را احساس کرده است. بشر اولیه - در مقایسه با انسان امروزی - از ذخیره لغت اندکی برخوردار بوده و برای ایجاد ارتباط از حرکات بدنی و ایما و اشاره نیز بهره می‌گرفته است. کاری که حتی امروزه نیز انجام می‌گیرد اما از نظر علمی زبان اصواتی است که از این مخارج تولید می‌شود:

«حلق، زبان، لب و دندان».

مجموعه صداهایی که از حلق، زبان، لب و دندان بیرون می‌آیند، دو گروه‌اند.

«صامت‌ها» (Consonants) و «مصوّت‌ها» (Vowels).

تعداد صامت‌ها در زبان‌های مختلف فرق می‌کند. مثلاً در زبان انگلیسی ۲۴ صامت و ۲۰ مصوّت، در زبان فارسی ۲۳ صامت و ۶ مصوّت و در زبان عربی ۲۷ صامت و ۶ مصوّت وجود دارد.



۱- عده‌ای عقیده دارند که زبان را خداوند به آدمی آموزش داده است و به این آیه استناد می‌کنند:

(عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا - همه اسم‌ها را به آدم آموخت - / (۲) البقره، ۳۱) و می‌گویند: زبان «توقیفی» است یعنی از طرف خدا یکباره و در یک زمان آموخته شده است. زبان‌شناس معروف «ابن فارس»، طرفدار این نظریه بوده است (الرافعی، تاریخ آداب العرب: ۴۹).

اما واقعیت این است که در تفسیر کلمه «اسماء» نظر مفسران متفاوت است. طبق روایات بسیار کهن، در اوایل خلقت همه افراد بشر یک زبان داشته‌اند و مقصود همدیگر را می‌فهمیدند.

۲- عده‌ای نیز اعتقاد دارند زبان ابتدا از اصوات و صداهای ساده شروع شد؛ مثل تقلید از صداهای حیوانات و پدیده‌های طبیعی و سپس با پیشرفت تمدن کم‌کم بر تعداد واژه‌ها افزوده شد (درویش، تاریخ الأدب العربی فی: ۱۴).

برای مثال، خانواده‌ای غارنشین را در نظر بگیرید. پسر خانواده موقع برخاستن از خواب، سرش به سقف غار می‌خورد و صدایی شبیه «آخ» می‌گوید. فردای آن روز پدر خانواده هنگام بیدار شدن پسرش، صدای «آخ» را بلند می‌گوید و پسر مراقب می‌شود. سپس این واژه در شرایط مشابه نیز استفاده می‌شود و به تدریج بشر درمی‌یابد که با بعضی اصوات قراردادی می‌تواند راحت‌تر زندگی کند.

سیوطی این عقیده را می‌پذیرد و می‌گوید: «بعضی معتقدند اصل زبان‌ها اصواتی مانند صدای باد، غرغره، شرشر آب، قارقار کلاغ و شیهه اسب بوده است و سپس از این اصوات زبان‌ها به وجود آمده‌اند. این عقیده به نظر من روا و مقبول است» (السیوطی، المزهر، ج: ۱، ۱۴).

گزیده‌هایی از گفته‌های پیشینان درباره پیدایش زبان

۱- ابن عساکر (۱) به نقل از ابن عباس (۲) گفته است که: «آدم (ع) در بهشت زبان عربی داشت و هنگامی که در برابر خدا سرکشی کرد، به زبان سریانی سخن گفت و وقتی توبه کرد، خداوند عربی را به او باز گرداند» (السیوطی، المزهر).

۲- عبدالملک بن حبیب نیز چنین گوید: «اولین زبانی که در بهشت بر آدم نازل شد، عربی بود که با گذشت زمان دگرگون و تبدیل به سریانی شد که به سرزمین «سوری» یا «سریانه» منسوب است و این زبان شبیه عربی است اما متحول شده است» (۳).

۳- ابن عساکر در سندی که از «آس بن مالک» (۴) روایت کرده چنین می‌گوید: «خداوند خلیق را در بابل گرد آورد و آنان جمع شدند تا بفهمند چرا در آنجا گرد هم آمده‌اند. ناگاه کسی ندا در داد: هر کسی مغرب را سمت راست خود و مشرق را سمت چپ خود قرار دهد و آهنگ بیت الحرام کند، سخن اهل آسمان از آن اوست. در این هنگام «عرب بن قحطان بن هود» برخاست و او نخستین کسی بود که به «عربی مبین» سخن گفت. منادی همچنان می‌گفت: هر کس چنان و چنان

کند فلان سخن از آن اوست. تا اینکه به ۷۲ زبان تبدیل شدند و صدا قطع شد و زبان‌ها آشفته شد و آن سرزمین، «بابل» یعنی «آشفته» نامیده شد» (اَفْتَرَقُوا عَلٰی اَثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ لِسَانًا وَ انْقَطَعَ الصَّوْتُ وَ تَبَلَّلَتِ الْاَلْسُنُ فُسِمَتِ بَابِلُ...)

۴- «محمد بن سلام جمحی» در کتاب (۵) «طبقات الشعراء» به نقل از «یونس بن حبیب» گفته است: اولین کسی که به زبان عربی سخن گفته، اسماعیل بن ابراهیم (ع) بوده است. تناقض در نظریات علماء درباره پیدایش زبان‌ها بسیار است.

- «الحافظ عمادالدین بن کثیر» در تاریخ خود چنین گوید: «می‌گویند همه عرب به «اسماعیل بن ابراهیم» منسوب‌اند و عرب عاربه پیش از اسماعیل اقوام عاد، ثمود، طسم، جدیس، امیم، جرهم، عمالیک و ملت‌های دیگر بوده‌اند که کسی جز خداوند آن‌ها را نمی‌شناسد» (السیوطی، المزهر، ۳۰-۳۲).

بسیاری علمای دیگر نیز زبان و قوم عرب را به «اسماعیل بن ابراهیم» نسبت می‌دهند. ابن سلام می‌گوید: نخستین کسی که به عربی سخن گفت و زبان پدرش را فراموش کرد، اسماعیل (ع) بود.

عده‌ای معتقدند

زبان «توقیفی»

است یعنی از طرف

خدا یکباره و در

یک زمان آموخته

شده است

پی‌نوشت

۱- «ابن عساکر» نام چند تن از نویسندگان مشهور است که مشهورترین آنان مورخ و مؤلف قرن ۱۲ میلادی و متولد دمشق است.

۲- «عبدالله بن عباس» پسرعموی پیامبر (ص) راوی حدیث در قرن ۷ میلادی (اول هجری) است که در جنگ صفین همراه حضرت علی (ع) بود.

۳- الفیروزآبادی / القاموس المحيط / سوری: بر وزن طوبی، مکانی در عراق، در شهرهای سریانی‌ها.

۴- «آس بن مالک» صحابی پیامبر (ص) بود که بیست سال در خدمت ایشان بود. وی راوی حدیث است.

۵- «محمد بن سلام جمحی» ادیب ناقد مشهور قرن ۹ میلادی، متولد بصره و متوفای بغداد است. کتاب «طبقات الشعراء»ی او اولین کتاب نقد شعر عرب از نظر تاریخی و فنی است.

منابع

۱- درویش (محمّدحسن) / تاریخ الأدب العربی فی الجاهلیّه و صدر الاسلام

۲- الرافعی، مصطفی صادق / تاریخ آداب العرب

۳- السیوطی، عبدالرحمن جلال‌الدین / المزهر فی علوم اللغه و أنواعها.

۴- فروخ، عمر / تاریخ الأدب العربی / الجزء الأول